

شرق روزنامه

یادداشت

اثرات کسری پایدار بوده‌خ آموزش‌وپرورش

مطالعات و بررسی‌های مقایسه‌ای اعتبارات مصوب و عملکرد قوانین بودجه کشور نشان‌دهنده یک کسری پایدار در بودجه سنواتی

کل دولت است؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۶ درآمدهای دولت حدود ۱۷۴هزارمیلیاردتومان پیش‌بینی شده، درمقابل هزینه‌های عمومی دولت حدود ۲۵۴هزارمیلیارد تومان بوده؛ یعنی بیش از ۳۰ درصد هزینه‌های دولت، از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (فروش نفت) و واگذاری دارایی‌های مالی تأمین می‌شود. بنابراین کسری بودجه سنواتی دولت که ناشی از اقتصاد تک‌محصولی، همچنین نظام ناکارآمد مالیاتی و… است، تأثیر مستقیم روی بودجه بخش آموزش‌وپرورش می‌گذارد، به‌طوری‌که در حدود ۲۰ سال گذشته ۱۵ تا ۳۰ درصد کسری بودجه در نظام آموزش‌وپرورش مشاهده می‌شود.
باین‌حال در گفته تمام مسئولان حاکمیتی تأکید شده و می‌شود که نهاد آموزش یک نهاد سرمایه‌ای است که باید با نگاه سرمایه‌گذاری، منابع مالی آموزش‌وپرورش تأمین و تخصیص داده شود، ولی متأسفانه این امر در اختصاص منابع کمتر اهمیت پیدا کرده است. به عبارت روشن‌تر، در نگاه مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی و تصمیم‌گیرندگان تخصیص منابع بین برنامه‌های کلان کشور، آموزش‌وپرورش یک نوع سرمایه‌گذاری و به‌طورکلی عامل اصلی توسعه پایدار در اقتصاد دانش‌بنیان کشور است، اما در عمل کسری بودجه ادامه‌دار، سهم بسیار ناچیز هزینه‌های کیفیت‌بخشی و غیرپرسنلی آموزش‌وپرورش (کمتر از دو درصد)، سهم بودجه آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی کشور (کمتر از سال ۱۳۹۶ کمتر از ۱۰ درصد (متوسط جهانی که بیش از ۱۵٫۵ درصد)، حداقل حقوق فرهنگیان و افزایش مطالبات روظافزون معلمان و مهم‌تر از همه کاهش مرجعیت معلمان در سطح جامعه، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و… در نظام آموزش‌وپرورش مشاهده می‌شود.

به‌طورکلی اقتصاد تک‌محصولی (نفت) و نظام ناکارآمد مالیاتی کشور باعث عدم پایداری در منابع مالی دولت شده و کسری پنهان و آشکار بودجه دولت را به دنبال داشته است. این عدم ثبات در منابع دولتی منجر به کسری شدیدتر و پایدار بودجه آموزش‌وپرورش شده است که در ذیل به برخی از اثرات کسری بودجه با مسائل و مشکلات ناشی از عدم کفایت منابع مالی و توزیع نابرابر تخصیص در آموزش‌وپرورش اشاره می‌شود:

۱- کاهش شدیدتر اعتبارات کیفیت‌بخشی (غیرپرسنلی)

کاهش حجم و کیفیت فعالیت‌های پرورشی / کاهش فعالیت‌های کیفی آموزشی / کاهش فعالیت‌های پژوهشی / کاهش فعالیت‌های بهداشت و سلامت در مدارس / عدم انجام فعالیت‌ها و برنامه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات / کاهش برنامه‌های آموزش نیروی انسانی / قانون‌گریزی مدیران مدارس / کمبود سرانه واحدهای آموزشی / تضعیف هویت ملی و دینی / نابرابری بیشتر در تخصیص اعتبارات غیرپرسنلی (حاکمیت سیستم چانه‌زنی)

۲- کاهش اعتبارات عمرانی (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)

کاهش فعالیت‌های توسعه فضاهای آموزشی / افزایش تراکم کلاس / فرسودگی ساختمان‌ها و کاهش هزینه‌های تعمیر و تجهیز مدارس / افزایش درصد ساختمان‌های استیجاری و غیراستاندارد/ نبود فضاهای آموزشی متناسب با نیازها و روش‌های جدید آموزشی/ استفاده از مصالح غیراستاندارد در تکمیل فضاهای آموزشی/ عدم تعادل در تخصیص اعتبارات عمرانی (حاکمیت سیستم چانه‌زنی)

۳- حفظ حداقل حقوق پرسنلی

کاهش قدرت خرید فرهنگیان / افزایش نیروهای حق‌التدریس/ کاهش انگیزه فرهنگیان، به‌ویژه معلمان/ ممنوعیت استخدام نیروهای قراردادی و حق‌التدریس/ اجرای قوانین تبعیض‌آمیز در بین کارکنان دولت/ عدم تحقق اجرای عدالت- افزایش مطالبات فرهنگیان. / توجه به مسائل و چالش‌های قوق ناشی از کمبود منابع و عدم مدیریت بهینه منابع، راهبردها و راهکارهایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود در راستای تأمین منابع کافی، عادلانه و کارا در نظام آموزش‌وپرورش ارائه شده است.

۱- یافتن منابع مالی جدید

اخذ مالیات‌های ویژه برای آموزش‌وپرورش / توسعه مدارس غیرانتفاعی- واگذاری امور غیرمرتبط آموزش‌وپرورش به بخش غیردولتی / استفاده از صندوق ذخیره ارزی برای تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (احداث مدارس استاندارد و تجهیز مدارس) / افزایش سهم هزینه‌های آموزش‌وپرورش از منابع دولتی (با توجه به سرمایه‌ای بودن آموزش) / اصلاح، نوسازی و طراحی الگوی مشارکت مردم/ جابه‌جایی منابع با بازایی هزینه‌ها و تخصیص مجدد در سطح کلان (با تأکید بر امور آموزش در عمل، نه شعار)

۲- مدیریت بهتر منابع

اصلاح، نوسازی و طراحی الگوی تخصیص منابع مالی با رویکرد عدالت و کارایی / سازماندهی بهتر دانش‌آموزان (تجمیع مدارس با تراکم جمعیت کمتر و استفاده از آموزش‌های مجازی) / ساماندهی بهتر نیروی انسانی (تعادل در به‌کارگیری نیروی انسانی در بین مناطق، مدارس، ستادی و آموزشی) / ضابطه‌مندکردن توسعه مدارس در مناطق کم‌جمعیت/ اصلاح، نوسازی و بهبود ساختار تشکیلاتی؛ از ستاد تا مدرسه- کاهش نیروهای پشتیبانی ادارات و مدارس (درجه‌بندی تأکید کرده‌اند و معتقد هستند که رفتار برنامه‌ریزی‌های بودجه‌ای و منابع انسانی و نیز طراحی محتوای آموزشی، در کنار به‌رسیمت‌شناختن تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف (کشور) توانمندسازی مدرسه‌محور (زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی کلیه مدارس به‌ویژه مدارس مناطق محروم‌تر، در برنامه‌های کلان فقرزدایی و توانمندسازی، با هم‌افزایی میان توانمندسازی در آموزش، سلامت جسمی، سلامت روحی و تغذیه)

اگر پنج نکته فوق جایگاه خاصی در برنامه‌های وزیر جدید آموزش‌وپرورش داشته باشند، می‌توان امیدوار بود سد زیربنایی محکم برای رشد محسوس تعامل وزارت آموزش‌وپرورش با جامعه اقتصاددانان، بر داشته شود.

تاک

نظریه‌های زیربنایی تربیت اوان کودکی

نسیم ولیجانی»

کنش امروز در تربیت اوان کودکی، برابند مجموعه نظریه‌هایی است که در طول تاریخ تربیت کودک، هرکدام در زمانی و به نوعی ظهور یافته و این حوزه را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. بررسی روند ظهور و تحول این نظریه‌های زیربنایی می‌تواند در ایجاد درکی درست و عمیق از تربیت اوان کودکی مؤثر باشد.
اث‌گذارترین نظریه‌های تربیت اوان کودکی عبارتند از: نظریه روانی- جنسی که خالق آن فروید است؛ او معتقد بود که بخش اعظم شخصیت انسان در کودکی شکل می‌گیرد. نظریه او بر سائق‌های زیست‌شناختی و اصل لذت مبتنی است. نظریه روانی- اجتماعی که متعلق به اریکسون است، بر اساس این نظریه فاکتورها و عوامل محیطی بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در نظریه شرطی‌سازی عامل- اسکینر معتقد است که پاداش و تنبیه، رفتار کودکان را شکل می‌دهد. گِزل معتقد بود رشد به‌گونه‌ای بنیادی‌تر- از سوی زن‌ها در کودک هدایت می‌شود و فرهنگ و محیط تنها به‌عنوان عوامل ثانوی در این‌ فرایند مؤثرند. «پندورا» تئوری یادگیری- اجتماعی را بیان کرد و معتقد است که یادگیری در کودکان به‌وسیله تقلید رخ می‌دهد. «ژان پیاژه» در نظریه رشد مرحله‌ای بیان کرد که رشد در مراحل متفاوتی از رشد شناختی اتفاق می‌افتد. او اعتقاد داشت که بزرگسالان روی کودکان تأثیر می‌گذارند. اما، کودکان سیستم فکری‌شان را خودشان می‌سازند. ویگوتسکی در نظریه فرهنگی- اجتماعی بیان کرد که رشد در کودکان در درجه اول به‌وسیله زبان و بعد محیط اجتماعی و در پایان هدایت بزرگسالان اتفاق می‌افتد. «رافن برن» در نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی بیان کرد که رشد کودک از سوی سیستم‌های نوگانوگ محیط و ارتباط میان این سیستم‌ها شکل می‌گیرد. «بابلی» در نظریه‌های زیستی (گزل) و نظریه‌های رشد شناختی (ویگوتسکی و پیاژه).

آنچه لازم است مورد توجه قرار گیرد این است که نظریه‌ها یکدیگر را نقض نمی‌کنند؛ هر نظریه جدیدی بنابر ضرورت وضع موجود و نواقصی که نظریه‌های پیشین در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها دارند، ظهور می‌یابد.
براین‌اساس هر نظریه، از جنبه‌ای متفاوت به حوزه تربیت کودک می‌نگرد؛ به‌طورمثال فروید و اریکسون بر رشد هیجانات تأکید کرده‌اند، درحالی‌که در نظریه پیاژه بیشتر بر رشد شناختی تأکید شده است و کودکز محور است؛ نظریه‌پردازانی مانند «گزل»- رشد را یک فرایند زیستی می‌دانند که ژنتیک تعیین‌کننده آن است. برعکس آن، رفتارگرایان مانند پندورا، اسکینر و واتسون بر اهمیت محیط بر رشد کودک تأکید کرده‌اند و معتقد هستند که رفتار کودک از سوی محیط بیرونی شکل می‌گیرد. بررسی و فهم درست این نظریه‌ها به طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های جدید تربیت اوان کودکی که از چشم‌اندازهای نوگاون به رشد کودکان می‌نگرد کمک می‌کند. با توجه به دنیای به‌غایت پیچیده‌ای که کودکان امروز در آن زندگی می‌کنند، تولید چنین برنامه‌های جامع‌ی در تربیت اوان کودکی ضرورتی انکارناپذیر است.

•پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس



پیشنهادی به وزیر آموزش‌وپرورش

الزامات یک برنامه عملی از نگاه کارشناسان

بایدها در آموزش‌وپرورش

آموزش‌وپرورش است به اختصار یادآوری می‌شود.

۱- استقرار تیم مدیریتی کارآمد، منسجم و پاسخ‌گو و نظارت مستمر وزیر

وزیر در آموزش‌وپرورش نقش محوری و تعیین‌کننده دارد؛ می‌تواند مسئولیت‌ها را توزیع کند و سپس فارغ از آنچه انجام می‌شود، وقت خود را بگذراند. به اندازه کافی هم جلسه و همایش و بازدید و… قابل تعریف است که وزیر هفته را به ماه، ماه را به سال و سال را به چهار سال پیوند بزند و دیگران هم کار خود را بکنند؛ اما نقش وزیر با توزیع مسئولیت‌ها آغاز می‌شود. در وهله اول باید تیم مدیریتی کارآمد، هماهنگ، منسجم و پاسخ‌گو انتخاب کند. نمی‌توان در توزیع مسئولیت‌های خطیر آموزشی- پرورشی و اداری با تعارف برخورد کرد و کوچک‌ترین انحراف در مسیر اجرا را باید زیر نظر داشت. کار اصلی وزیر نظارت بر نحوه فعالیت معاونت‌ها، استان‌ها و سازمان‌های تابعه است و هر روز باید کار واحدهای مدیریتی خود را رصد کند و به‌موقع تذکرات لازم را بدهد و آنها را ارشاد کند.

۲- اتخاذ سیاست برنامه‌محوری در فعالیت‌های اصلی

ضمن ارائه تحلیل از وضع موجود آموزش‌وپرورش و بررسی نقاط قوت و ضعف، قابلیت‌ها و کمبودها باعث می‌شود معاونت‌ها، استان‌ها و سازمان‌های تابعه موظف شوند برنامه چهارساله به تفکیک هر سال ارائه دهند و ضمن تحلیل حوزه عمل خود شاخص‌های مربوطه را تعریف و حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را با شاخص‌های کمی بیان کنند، به نحوی‌که بتوان بعد از گذشت هر سال وضعیت برنامه و عملکرد آن واحد را تجزیه و تحلیل کرد. نقش وزیر رصد لحظه‌ای واحدها و زیر پوشش است. در هر زمان باید دغدغه عملکرد واحد‌ها را داشته باشد. حداقل در روز از ۲۰ معاون یا مدیر کل توضیح مبسوط بخواهد و طوری عمل کند که معاونت‌ها و مدیران کل باور نداشته باشند که در هر لحظه کنترل می‌شوند؛ البته این نظارت با دخالت همه‌جانبه متفاوت است و نقش نظارتی و کنترلی دارد که ابزار آن برنامه فعالیت‌ها و اقدامات است.

لازمه‌های تدوین برنامه موفق

در آموزش‌وپرورش

هستند، با نگاهی آسیب‌شناسانه به برنامه‌های وزرای پیشین می‌توان لازمه‌های تدوین یک برنامه موفق را در آموزش‌وپرورش دولت دوازدهم به شرح زیر دسته‌بندی کرد:
۱. تدوین برنامه سیاستی به‌جای برنامه اجرائی زیرا سند تحول بنیادین در اهداف، راهبردها و راهکارها از جامعیت لازم برخوردار است
۲. تغییر نگاه مدیریتی از «معلول‌محوری» به «علت‌محوری». علت‌یابی موانعی که با آثار جانبی خود بر دروندادا (به‌ویژه منابع مالی)، فرایند و بروندادها را با اختلال مواجه کرده است
۳. باور به تدریجی بودن فرایند تغییر در حل مسائل آموزش‌وپرورش
۴. اعتقاد به اصل موازنه‌ای بودجه. تنها بودجه متعادل (پیش‌بینی دقیق اعتبارات مورد نیاز + مصرف درست منابع اختصاص داده‌شده) می‌تواند کارکردی اثربخش

در هر دوره، مقارن با تغییر وزیر، موضوع برنامه وزارت آموزش‌وپرورش که وزیر محترم قصد دارد با استفاده از آن رأی اعتماد مجلس را اخذ و با اجرای آن نسبت به ارتقای وضعیت اقدام کند، مطرح می‌شود؛ برنامه‌هایی که عمدتاً موضوعات اساسی این حوزه را دربر گرفته و به‌نوعی مطالبات اساسی آموزش‌وپرورش محسوب می‌شوند. با وجود این، نگاهی به عملکرد اجرائی برنامه‌های حداقل هفت وزیر گذشته نشان می‌دهد که وزرا در تحقق اهداف برنامه‌های خود از موفقیت زیادی برخوردار نیستند. در آستانه آغاز کار دولت دوازدهم و وزیری که بر مسند وزارت آموزش‌وپرورش می‌نشیند، دو سؤال اساسی مطرح است: اول، «علت عدم تحقق اهداف برنامه‌های ارائه‌شده از سوی وزیر

چیست؟» کدام‌یک از موارد: کلیشه‌ای بودن، عدم تناسب با امکانات موجود، عدم برخورداری از پشتوانه پژوهشی، تحلیل مسائل بر اساس تجربه فردی، اشکال در اولویت‌بندی اهداف، ضعف اقتدار اجرائی، مشکلات ساختاری، محدودیت‌های مالی، نبود ضمانت اجرائی، فقدان نظارت مستمر و ماهیت اهداف برنامه در عدم موفقیت دخیل است؟ دوم، با وجود سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش که در آن اهداف کلان، راهبردهای کلان و راهکارها تعیین شده است، «آیا نیازی به ارائه برنامه اجرائی هست یا باید بر برنامه سیاستی متمرکز شد؟» از آنجا که هر یک از علت‌های پیش‌گفته در جای خود در عدم تحقق اهداف برنامه‌ها و به‌تبع آن، عدم شکل‌گیری ارتقای معیار در وضعیت آموزش‌وپرورش دخیل

آشتی «اقتصاددانان» با «آموزش‌وپرورش»

دارد. اگر یکی اقتصاددان کل عمرش را برای پژوهش‌هایی صرف کند که نهایتاً بتواند فقط یک درصد به بهره‌وری این ۱۱میلیارد نفر-ساعت اضافه کند، این دستاورد به اندازه‌ای برای اقتصاد ملی ارزشمند خواهد بود که بعید است بتوان دستاوردی قابل مقایسه با آن را ارائه کرد.

د) بنابر پژوهش‌های اقتصادی متعدد، توسعه عدالت آموزشی و فقرزدایی آموزشی در رده‌های سنی پایه، کلیدی‌ترین رکن کاهش پایداری نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در هر کشور است.

اما اگر هیئت‌دولت دوم آقای روحانی و نیز وزیر جدید آموزش‌وپرورش ایشان بخواهند رشد شایان توجهی در تعامل این وزارتخانه با اقتصاددانان ایجاد کنند، به زعم نگارنده، برخی از کلیدی‌ترین مطالبات مورد وفاق اکثریت اقتصاددانان از آموزش‌وپرورش عبارتند از:
۱- به کارگیری مدل‌های اقتصادی مربوط به «ارزیابی اثربخشی» (Impact Evaluation)، برای کمی‌سازی جنبه‌های مختلف اثربخشی برنامه‌های مختلف وزارت آموزش‌وپرورش

۲- شفافیت آماری (به معنای انتشار منظم و عمومی آمارهای متنوع و باکیفیت مختلف مربوط به جنبه‌های



•وحید کیارشی کارشناس برنامه و بودجه

یکی از بخش‌هایی که باید به آن توجه ویژه کرد آموزش‌وپرورش است. هم به سبب نقشی که در توسعه همه‌جانبه و آمادگی نیروی انسانی برای امر توسعه دارد و هم تأثیر انکارناپذیری که روی جمعیت درخور توجهی از کارکنان دولت (فرهنگیان) دانش‌آموزان و خانواده ایشان دارد.

در وضع موجود آموزش‌وپرورش کشور نقاط قوت و ضعف و چالش‌هایی وجود دارد که در جای خود قابل طرح است و قطعاً وزیر جدید آموزش‌وپرورش برای تقویت نقاط قوت و رفع چالش‌ها و نارسایی‌ها برنامه‌های وسیعی دارد. با اتخاذ راهبردهای ارتقای کیفیت عوامل آموزشی، بهبود فرایندها، محتواها و خروجی‌ها می‌توان فعالیت‌ها و اقدامات تحول‌آفرینی را برنامه‌ریزی کرد که به‌یقین آموزش‌وپرورش را به حرکت روبه‌رشد هدایت خواهند کرد. ضمن تبریک به وزیر جدید آموزش‌وپرورش، اقدامات فوری و ضروری‌ای را که لازمه هر نوع تحولی در



•علی الهیار ترکمن»

در هر دوره، مقارن با تغییر وزیر، موضوع برنامه وزارت آموزش‌وپرورش که وزیر محترم قصد دارد با استفاده از آن رأی اعتماد مجلس را اخذ و با اجرای آن نسبت به ارتقای وضعیت اقدام کند، مطرح می‌شود؛ برنامه‌هایی که عمدتاً موضوعات اساسی این حوزه را دربر گرفته و به‌نوعی مطالبات اساسی آموزش‌وپرورش محسوب می‌شوند. با وجود این، نگاهی به عملکرد اجرائی برنامه‌های حداقل هفت وزیر گذشته نشان می‌دهد که وزرا در تحقق اهداف برنامه‌های خود از موفقیت زیادی برخوردار نیستند. در آستانه آغاز کار دولت دوازدهم و وزیری که بر مسند وزارت آموزش‌وپرورش می‌نشیند، دو سؤال اساسی مطرح است: اول، «علت عدم تحقق اهداف برنامه‌های ارائه‌شده از سوی وزیر



•میثم هاشم‌خانی اقتصاددان و مدیر مؤسسه مطالعاتی «حامیان فردا»

«بهترین و پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری اقتصادی در هر کشور، سرمایه‌گذاری در ارتقای کیفیت آموزش در سنین کودکی است». این جمله که نمادی از اقبال روزافزون اقتصاددانان به انجام پژوهش‌های وسیع در حوزه آموزش‌وپرورش است، در صفحه اول سایت «پژوهشکده اقتصادی توسعه انسانی» (Center for the Economics of Human Development) به چشم می‌خورد. این پژوهشکده متعلق به دانشگاه شیکاگو بوده و با مدیریت «جیمز هکمن» (اقتصاددان نوبلیست سال ۲۰۰۰ و استاد برجسته دانشگاه شیکاگو، یکی از معتبرترین پژوهشکده‌ها در سطح بین‌الملی در حوزه توسعه انسانی محسوب می‌شود. اما وزارت آموزش‌وپرورش ایران سالیان طولانی است که در مقایسه با اکثر وزارتخانه‌های دیگر، تعامل بسیار کمتری را با «اقتصاددانان» داشته است. مایه تعجب و حسرت است که برای سالیان طولانی تعامل سیاست‌گذاران ارشد آموزش‌وپرورش با اقتصاددانان نزدیک به صفر بوده، تعداد کل پایان‌نامه‌های اقتصادی ارشد و دکتری مرتبط با